

« بی‌اعتنایی به رهبر» یا « نشان دادن استقلال عمل»

بهروز کارونی

ایرنا، خبرگزاری رسمی دولت، روز شنبه خبر داد که محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، در نامه‌ای به آیت‌الله علی خامنه‌ای، با اعلام کناره‌گیری اسفندیار رحیم مشایی از معاونت اول ریاست جمهوری نوشت که برکناری او بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی اجرا شده است.

پیش از این، محمود احمدی‌نژاد در پاسخ به نامه اسفندیار رحیم مشایی، با کناره‌گیری وی از معاونت اول ریاست جمهوری موافقت کرده بود.

کناره‌گیری اسفندیار رحیم مشایی هفت روز پس از دستور رهبر جمهوری اسلامی ایران به محمود احمدی‌نژاد، برای برکناری او صورت گرفت. این در حالی بود که محمود احمدی‌نژاد از برکناری معاون اول خود اجتناب کرد.

علی کشتگر، فعال سیاسی در پاریس، درباره تحولات ناشی از کناره‌گیری یا برکناری اسفندیار رحیم مشایی به «رادیو فردا» می‌گوید:

«این وضع نشان می‌دهد که شکاف‌هایی در درون جمهوری اسلامی به وجود آمده است که عمیق هستند و روز بروز عمیق‌تر می‌شوند و ما تازه داریم نوک یخ‌ها را می‌بینیم که در دریای بحران جمهوری اسلامی شناورند. عمق مسئله هنوز زیر آب است و دیده نمی‌شود. به اعتقاد من، در روزهای آینده شاهد تکان‌ها و بحران‌های بسیار بیشتری در جمهوری اسلامی خواهیم بود.»

رادیو فردا: قبل از کناره‌گیری رحیم مشایی، انتقادهای زیادی از سوی به خصوص جناح اصولگرا به آقای احمدی‌نژاد وارد شد. برخی از این انتقادهای از سوی هواداران بسیار نزدیک او صورت گرفت. به طور مثال، جنبش‌های دانشجویی و حتی مدیر مسئول روزنامه کیهان که به نوعی، حتی اسفندیار رحیم مشایی را زیر سؤال بردند. اینها در شرایطی بود که رئیس جمهور اسلامی ایران همچنان بر باقی ماندن ژنرال ارشد خودش در سمت معاون اول رئیس جمهور تاکید داشت. حال با توجه به اینکه اسفندیار رحیم مشایی مجبور به کناره‌گیری شد، آنهم بعد از اینکه حکم یا دستور آیت‌الله خامنه‌ای به صورت علنی انتشار یافت، فکر می‌کنید این چه پیامدی می‌تواند بر روی وضعیت خود محمود احمدی‌نژاد داشته باشد؟

علی کشتگر: احمدی‌نژاد با بی‌اعتنایی به نامه رهبر جمهوری اسلامی، عملاً خواست به نوعی، استقلال خود را از رهبری در این پست نشان دهد. تکیه او بیشتر بر نیروهای نظامی و امنیتی بود؛ نیروهای نظامی و امنیتی که می‌دانیم الان یک مافیای عظیم اقتصادی و سیاسی هستند و عمدتاً سپاه پاسداران در این مافیا نقش دارد.

اما نکته‌ای که روشن است، اینکه با توجه به فعل و انفعالات به وجود آمده، الان بین آقای خامنه‌ای و احمدی‌نژاد آن هماهنگی سابق نیست و موقعیت احمدی‌نژاد است که در نهایت در این کشمکش تضعیف می‌شود. چرا؟ برای اینکه احمدی‌نژاد را آقای خامنه‌ای بالا کشید. آقای خامنه‌ای است که هنوز در نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی که تکیه‌گاه ایشان است، جایگاه اصلی را دارد و با توجه به حمله روزنامه کیهان، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم در روزهای آینده هم فشارهای بیشتری علیه احمدی‌نژاد برای تبعیت از رهبر در درون نیروهای اصولگرا ادامه پیدا کند.

اما وضعی که برای احمدی‌نژاد به وجود آمده است، می‌تواند به نیروهای اصلاح‌طلب و معترضان به انتخابات کمک کند تا بیش از پیش، رهبری را برای ابطال انتخابات زیر فشار قرار دهند تا به این ترتیب، یک راه حل برای برون رفت جمهوری اسلامی از بحران پیدا شود.

برآیند این تحولات برای رهبری، آنهم در شرایطی که الان شاهدش هستیم، یعنی تظاهرات معترضان و تشدید اعتراض‌ها حتی در درون هرم حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رهبر خود را در سطح مدافعین یکی از جناح‌ها تنزل داد. رهبر در یک کودتا شرکت کرد و در یک تقلب بزرگ از کسانی که این تقلب را سازماندهی کردند، طرفداری کرد و حتی بسیاری، بیت رهبر را سازمانده این تقلب بزرگ می‌دانند؛ یعنی خود رهبر و فرزندش، مجتبی.

بنابراین موقعیت رهبر جمهوری اسلامی در کل جامعه ایران تضعیف شده است و ما می‌بینیم که اکثریت مردم ایران عملاً با رهبری مخالفند، به طوری که اگر امروز، همه‌پرسی برگزار شود، اکثریت عظیم مردم ایران خواستار برکناری او خواهند شد.

در درون جمهوری اسلامی هم الان دیگر فقط اصلاح‌طلبان نیستند، از زمانی که این وضع پیش آمده، ما می‌دانیم که علاوه بر آقای هاشمی، بسیاری از آیات عظام و بسیاری از روحانیون بلند پایه و بسیاری از چهره‌های شاخص اصولگرا هم همراه با اصلاح‌طلبان، آقای خامنه‌ای را زیر فشار قرار داده‌اند. آنها خواستار پایان دادن به این وضع هستند و بسیاری از آنها خواستار ابطال انتخابات بودند.

در این میان، تکیه اصلی آقای خامنه‌ای بر روی همین نیروهایی بوده که خود ایشان برکشیده است و اکنون احمدی‌نژاد نیز به عنوان رئیس جمهور همین نیروها در فضای سیاسی ایران است. اینها هم به نوعی آمده‌اند و با آقای خامنه‌ای درگیر شده‌اند و به نوعی، به او و دستورش بی‌اعتنایی کردند.

می‌بینیم وضع آقای خامنه‌ای با توجه به مسائلی که پیش آمده است، خوب نیست. یعنی ایشان از همه طرف مورد سؤال است و اقتدارش دیگر آن اقتدار سابق نیست. در این زمینه، هیچ جناحی وجود ندارد که شما بتوانید انگشت بگذارید بگویید بی‌چون و چرا از ایشان حمایت می‌کند.

حتی رئیس جمهوری که خود آقای خامنه‌ای برکشیده و در این مقام عملاً با تقلب و تهدید و ارباب و کشتار قرار گرفته است، به نوعی با آقای خامنه‌ای در کشمکش و رقابت قرار دارد.

+++++

برچیده تیرستان، از رادیو فردا 4-5-1388 / 26-7-2009

http://www.radiofarda.com/content/f6_Iran_Ahmadinejad_Mashaee_Post/1785745.html